یک جرعه نور

ریشه سرکشی انسان از نگاه قرآن

احمد عدالتیان| در ادامه مرور سوره‌های کوچک قرآن کریم، آیات پایانی سوره مبارک علق (خون بسته) را با هم تلاوت می‌کنیم که خداوند متعال می‌فرماید: «**أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَى؛ عَبْداً إِذا صَلَّى؛ أَرَأَيْتَ إِنْ كانَ عَلَى الْهُدى؛ أَوْ أَمَرَ بِالتَّقْوى؛ أَرَأَيْتَ إِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّى؛ أَلَمْ يَعْلَمْ بِأَنَّ اللَّهَ يَرى**: آیا دیدی آن‌که منع می‌کند بنده‌ای را که نماز می‌خواند؟ آیا اندیشیده‌ای که [چه می‌شد] اگر [آن بنده] بر طریق هدایت باشد یا به تقوا سفارش کند؟ آیا اندیشیده‌ای که اگر تکذیب کند و روی برتابد؟ آیا او نمی‌داند که خداوند می‌بیند؟»

مراد از عبدی که نماز می‌خواند، همان‌طور که از آیات آخر سوره برمی‌آید، رسول خداست و در احادیث می‌خوانیم: ابوجهل از اطرافیان خود پرسید: آیا پیامبر در میان شما نیز برای سجده، صورت به خاک می‌گذارد؟ گفتند: آری. گفت: سوگند به آنچه سوگند می‌خوریم، اگر او را در چنین حالی ببینم، با پای خود گردن او را له می‌کنم. بعد که پیامبر(ص) را در حال سجده دید، تصمیم گرفت با لگد بر سر مبارک آن حضرت بکوبد، اما همین که نزدیک شد، با حالتی عجیب، عقب‌نشینی کرد و به مشرکان گفت: وقتی به او نزدیک شدم، درمقابل خود خندقی از آتش دیدم.

طاغوت‌ها از بندگی خدا ناراحتند و با نماز مخالفت می‌کنند و بازداشتن از نماز، روشن‌ترین نوع منکرات است؛ طغیانگر نه خدا را بنده است، نه دستورات الهی را به رسمیت می‌شناسد، نه استدلال می‌پذیرد و نه به ندای وجدان و ناله مظلومان، گوش می‌دهد.

نکته مهم اینکه ریشه طغیان و سرکشی، این است که انسان خود را بی‌نیاز می‌بیند و خدا را نمی‌بیند و در این مسیر، گمان می‌کند که خدا هم او را نمی‌بیند.

حکمت

آخرتت را به چه قیمتی می‌فروشی؟

علیرضا وکیلی| حضرت امیرالمؤمنین(ع) بعد از آنکه فرزندشان را به دیدن سرنوشت گذشتگان و عبرت گرفتن از پایان زندگی آنان دعوت می‌کنند، بلافاصله یک نتیجه مهم می‌گیرند؛ اگر می‌دانی این دنیا ماندنی نیست و دیر یا زود باید از آن عبور کنی، پس باید از همین امروز به فکر «جایگاه بعدی» باشی. حضرت می‌فرمایند: «**فَأَصْلِحْ مَثْوَاكِ، وَلَا تَبِعْ آخِرَتَكِ بِدُنْيَاكِ**: پس جایگاه و سرای آخرتت را اصلاح کن و آخرتت را به دنیایت نفروش!» این تعبیر خیلی تأمل‌برانگیز است؛ امام(ع) نمی‌فرمایند دنیا را رها کن؛ می‌فرمایند آخرتت را به دنیا نفروش؛ یعنی مسئله، داشتن دنیا نیست؛ مسئله این است که برای رسیدن به یک منفعت زودگذر، چیزی را که ماندگار است، از دست بدهیم.

گاهی این معامله خیلی هم آشکار نیست. کسی برای پول بیشتر، حق دیگری را نادیده می‌گیرد. کسی برای حفظ موقعیتش، حقیقتی را پنهان می‌کند. کسی برای اینکه از جمع دوستانش عقب نماند، کاری را انجام می‌دهد که خودش می‌داند درست نیست. حتی گاهی انسان، عبادت، خانواده، انصاف و آرامش درونی‌اش را قربانی موفقیتی می‌کند که قرار بوده است زندگی‌اش را بهتر کند.

حضرت امیرالمؤمنین(ع) انگار می‌خواهند یک سؤال ساده اما جدی از ما بپرسند: «آیا این چیزی که امروز به‌دست می‌آوری، ارزش آن چیزی را که داری از دست می‌دهی، دارد؟»

ممکن است یک تصمیم، درآمد بیشتری برایمان بیاورد، اما اگر دروغ، ظلم یا تضییع حق دیگران در آن باشد، درواقع چیزی را باخته‌ایم که قیمتش بسیار بیشتر از آن درآمد است.

«أَصْلِحْ مَثْوَاكَ» یعنی فقط برای خانه‌ای که امروز در آن زندگی می‌کنی، برنامه نداشته باش؛ برای خانه‌ای هم که قرار است روزی واردش شوی، فکری کن. دنیا محل انتخاب است، نه محل ماندن. هر انتخاب کوچک امروز، بخشی از فردای ما را می‌سازد. آدم عاقل فقط نمی‌پرسد: «چه چیزی به‌دست می‌آورم؟» می‌پرسد: «برای به‌دست آوردنش، چه چیزی را از دست می‌دهم؟»

گاهی به فرزندمان و به خودمان یادآوری کنیم که دنیا را زندگی کن، اما آخرتت را به پای آن معامله نکن!

احکام

حکم شرعی دانلود، کپی و خریدوفروش فیلم و نرم‌افزار

سمانه رضوانی| استفاده از فیلم‌ها و نرم‌افزارهای دیجیتال، امروزه به بخش جدایی‌ناپذیر زندگی روزمره تبدیل شده است. بسیاری از کاربران برای دسترسی به محتوای موردنیاز خود، اقدام به دانلود، کپی‌برداری یا خریدوفروش این محصولات می‌کنند. اما این سؤال مطرح می‌شود که از منظر شرعی، آیا چنین اقداماتی بدون کسب اجازه از تولیدکننده یا صاحب اثر، جایز است یا خیر. با توجه به وجود قراردادهای فروش و شرایطی که گاه فروشنده وضع می‌کند، تشخیص وظیفه شرعی برای کاربران، نیازمند فتوای مراجع تقلید است.

شهید آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای: به‌طور کلی در کپی و استفاده و خریدوفروش نرم‌افزارهای داخلی، بنابر احتیاط، رعایت حقوق صاحبان آن، از طریق کسب اجازه لازم است و در هر صورت اگر بدانید از فرد یا شرکتی است که استفاده یا کپی برداشتن را اجازه داده‌اند، به مقدار اجازه‌داده‌شده اشکال ندارد.

آیت‌الله العظمی ناصر مکارم شیرازی: در صورتی که ضمن قرارداد فروش چنین شرطی کنند، باید خریدار به آن عمل کند. در غیر این صورت، مجاز است به دیگران هم بدهد و استفاده کنند.

آیت‌الله العظمی سید علی سیستانی: چنانچه در ضمن معامله، فروشنده شرط عدم تکثیر و کپی نماید، خریدار باید به شرط عمل کند، در غیر این صورت اشکال ندارد.

جمع‌بندی:

آنچه از فتوای مراجع می‌توان نتیجه گرفت، این است که اگر فروشنده نرم‌افزار یا فیلم، در زمان معامله، خریدار را از کپی‌برداری و تکثیر منع کرده باشد، براساس نظر همه مراجع مذکور، رعایت این شرط بر خریدار واجب است و تخلف از آن جایز نیست. همچنین در تمامی این آرا، توجه به این نکته ضروری است که اگر صاحب اثر یا شرکت تولیدکننده، به‌صراحت اجازه استفاده یا کپی‌برداری را صادر کرده باشد، عمل به مقدار اجازه‌داده‌شده، از نظر همه مراجع مجاز خواهد بود، بنابراین کاربران پیش از هرگونه اقدام به دانلود، کپی یا توزیع نرم‌افزار و فیلم، باید از وجود یا عدم وجود شرط ضمن معامله آگاه شوند و در صورت شک و تردید، به‌منظور رعایت احتیاط شرعی، برای کسب اجازه از صاحب حقوق اقدام کنند. این رعایت، به حمایت از حقوق مادی و معنوی تولیدکنندگان داخلی نیز کمک شایانی می‌کند و زمینه‌ساز رونق و توسعه صنعت نرم‌افزاری در کشور خواهد بود.

مروری بر ابعاد فقهی، روایی و کارکردهای اجتماعی سنت حسنه وقف

وقف؛ ابتکار اسلام برای تعالی جامعه

گزارش

آمنه مستقیمی| از امتیازات ویژه اسلام، توجه به دیگران و دیگرخواهی و قرار دادن سهمی برای نیازمندان و محرومان از اموال است. برای تحقق این ایده نیز راه‌های مختلفی را توصیه می‌کند که هریک، آثار و برکات خاصی دارد؛ مثل وقف که احسانی ماندگار است و در طی تاریخ، منشأ برکات بسیار شده است و امروز هم با ورود به عرصه‌های جدید مثل دانش‌بنیان‌ها گره‌گشایی می‌کند. در ادامه، چیستی، کارکردها و برکات این سنت حسنه را مرور می‌کنیم.

ویژه هفته وقف

موثر در تأمین اجتماعی

وقف فراتر از یک عمل عبادی فردی، به‌عنوان رکنی اساسی در تأمین اجتماعی، نقش‌آفرین است و بررسی متون دینی و تاریخی نشان می‌دهد که این سنت حسنه، به تأسیس نهادهای عظیم بهداشتی، آموزشی و رفاهی انجامیده است؛ وقف، احسانی ماندگار و از مصادیق صدقه جاریه است و برکات آن حتی پس از مرگ و در آخرت به کار انسان می‌آید. مهم آنکه نهاد وقف برپایه اصل تعاون و نوع‌دوستی بنا نهاده شده است. برخی زمینه‌های مصرف وقف عبارتند از احداث مساجد، مدارس، کتابخانه‌ها و بیمارستان‌ها، آب‌انبارها، قنات‌ها و رسیدگی به فقرا و ایتام و معلولان و زندانیان و همچنین تأمین مخارج زندگی علما.

مورد تأیید و سفارش قرآن

در قرآن مجید آیه‌ای که بر وقف و احکام فقهی آن صراحت داشته باشد، وجود ندارد، ولی می‌توان از باب اولویت با آیات مربوط به «احسان و انفاق»، «قرض‌الحسنه»، «تعاون» و «صدقه» به جواز و بلکه استحباب وقف استدلال کرد؛ مثل آیه ۹۲ از سوره آل‌عمران که می‌فرماید: «**لن تنالُوا البرَّ حتّی تُنفقوا من شیءٍ فإنّ الله به علیم**: شما هرگز به مقام نیکوکاران و خاصان خدا نخواهید رسید، مگر آنکه از آنچه دوست می‌دارید و بسیار محبوب است، در راه خدا انفاق کنید. هرچه انفاق کنید، خدا بر آن آگاه است.»

باب گشایش الهی

رسول خدا(ص) علاوه بر اینکه خود در امر وقف پیش‌قدم بودند، دیگر مسلمانان را نیز به این امر خیر تشویق می‌کردند، تا حدی که جابربن عبدالله انصاری نقل کرده است از اصحاب پیامبر(ص) کسی نبود که توانی مالی داشته باشد و چیزی را وقف نکند. روزی پیامبر(ص) مردی را دیدند که در حال کاشت نهال بود. ایشان فرمودند: «آیا تو را به نهالی راهنمایی کنم که ریشه‌اش، محکم‌تر و میوه‌اش گواراتر باشد؟» مرد اشتیاق نشان داد و پیامبر(ص) فرمودند: «ذکر (سبحان‌الله و...) بگوی که به ازای هر ذکر، ۱۰ درخت در بهشت خواهی داشت.» مرد چنان تحت تأثیر قرار گرفت که عرض کرد: «شاهد باش که این باغم را وقف مسلمانان تهی‌دست اهل صفه کردم.» به همین مناسبت، آیه شریف «و اما کسی که عطا کرد و تقوا داشت... به‌زودی راه آسانی را پیش پای او خواهیم گذاشت»، نازل شد که نشان از تأیید الهی بر تحول از مالکیت شخصی به مالکیت عمومی دارد. (**میزان‌الحکمه، ج ۱۳، ص ۳۶۱**)

راه ارتباط با دنیا پس از مرگ

روایات به روش‌های مختلف، ما را به سنت وقف تشویق می‌کنند و آن را تصدقی دائمی، مستمر و بدون ریا معرفی می‌کنند. از رسول خدا(ص) نقل شده است که فرمودند: «هرگاه انسان بمیرد، رشته عمل او در دنیا قطع می‌شود؛ مگر از سه چیز: صدقه جاریه (وقف) یا عملی که از آن سود برده شود یا فرزند صالحی که برای او دعا کند.» امام صادق(ع) نیز در این‌باره می‌فرمایند: «پس از مرگ آدمی، پاداشی به دنبال فرد نمی‌آید؛ مگر در سه خصلت: صدقه‌ای که فرد در زمان حیاتش، جاری و برقرار ساخته است که پس از مرگش تا قیامت، جاری و برقرار می‌ماند. (صدقه‌ای که وقف کرده است و به ارث گذاشته نمی‌شود) و نیز سنتی که برقرار کرده و در زمان حیاتش به آن عمل می‌شده است و پس از مرگش نیز به آن عمل می‌شود و فرزند صالحی که برایش طلب آمرزش کند.»

حمایت‌های فقه از وقف

در فقه اسلامی، وقف احکام دقیق و ظریفی دارد که ضامن بقای آن در طول قرن‌ها شده است. برخی از مهم‌ترین نکات فقهی برگرفته از رساله‌های مراجع تقلید عبارتند از خروج از مالکیت؛ با وقوع عقد وقف، مال از ملکیت واقف، خارج می‌شود و دیگر قابل فروش یا ارث‌بری نیست؛

طبق فتوای برخی مراجع، در وقف، نیاز به قبول کسانی که برایشان وقف شده است، نیست اما برخی از آن‌ها می‌گویند در وقف خاص، قبول فرد یا افرادی که برایشان وقف شده است، شرط صحت است؛

وقف مال برای خود جایز نیست، با این حال اگر کسی مالی را برای فقرا وقف کند و بعدا خود فقیر شود، می‌تواند از منافع آن بهره‌مند شود.

استبدال موقوفه به معنای جایگزینی مال وقفی در اصل جایز نیست و تنها در موارد استثنایی مانند نابودی، بی‌فایده شدن مال یا وجود شرط واقف، امکان‌پذیر است.

تأسیس بیمارستان‌ها به کمک وقف

کارکردهای وقف را می‌توان در چهار حوزه اصلی دسته‌بندی کرد: امور فرهنگی شامل تأسیس مدارس، کتابخانه‌ها و حمایت از نسخ خطی؛ امور بهداشتی مثل ساخت بیمارستان‌ها، تیمارستان‌ها و حمام‌های عمومی؛ امور اجتماعی و رفاهی همچون احداث پل‌ها، کاروانسراها، آب‌انبارها، قنات‌ها و تأمین جهیزیه نیازمندان و بالاخره امور مذهبی شامل ساخت مساجد، حسینیه‌ها و زیارتگاه‌ها. امروزه بسیاری از اماکن مذهبی، حوزه‌های علمیه و آستان‌های مقدس، حیات خود را مدیون درآمد موقوفات هستند. علاوه بر این، در سال‌های اخیر وقف به حوزه‌هایی همچون دانش‌بنیان، پرورش آبزی، پول و فناوری نیز ورود کرده و اتفاقات مبارکی را رقم زده است که خودکفایی اقتصادی و رونق تولید، ازجمله آن‌هاست.

مانع انباشت و انحصار ثروت

سنت حسنه وقف، تلفیقی هوشمندانه از معنویت و اقتصاد است و با تبدیل سرمایه‌های راکد به سرمایه‌های مولد اجتماعی، نه‌تنها نیازهای مادی جامعه را برطرف می‌کند، بلکه با ایجاد پیوندی ابدی بین واقف و جامعه، مالکیت حقیقی را به خداوند نسبت می‌دهد. علاوه بر این، وقف به توزیع عادلانه ثروت و جلوگیری از انباشت آن کمک می‌کند. کاهش فاصله طبقاتی در پی خروج اموال از مالکیت حقیقی و عمومی‌شدن آن، دیگر اثر اجتماعی وقف است که رنج اقشار محروم را کم می‌کند و به آن‌ها نیز فرصت بهره‌مندی از مواهب مالی را می‌دهد. همین امر خود به کاهش آسیب‌هایی همچون فقر، فساد، طلاق، اعتیاد و بیکاری می‌انجامد. علاوه بر این، وقف پشتوانه محکمی برای آیین‌های دینی مذهبی است؛ چنان‌که بسیاری از مراسم محرم با موقوفات، حمایت و اداره می‌شوند.

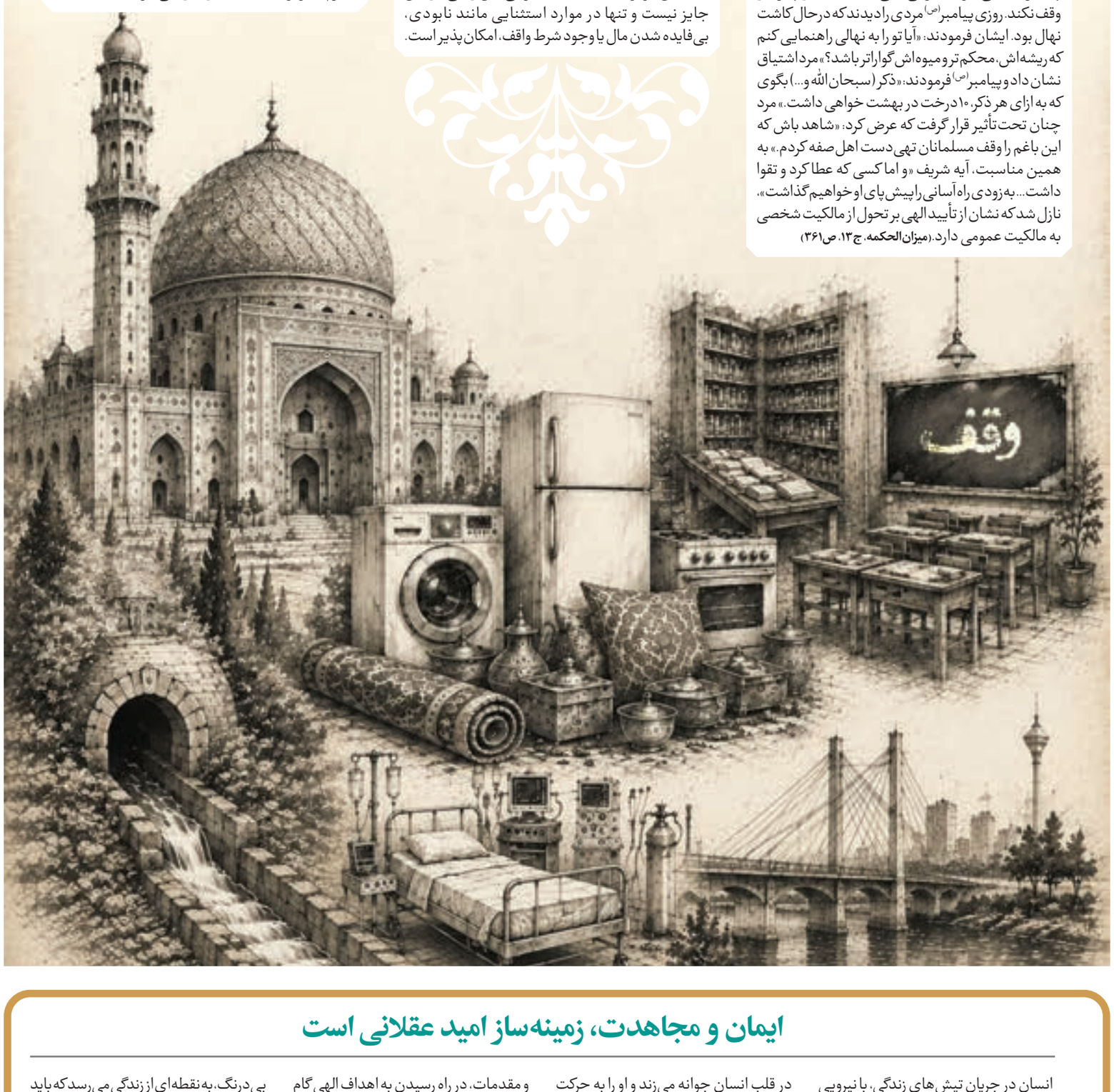

تصویر: حسین نیکخوی نوروی | شهرآرا

خطبه

ایمان و مجاهدت، زمینه‌ساز امید عقلانی است

انسان در جریان تپش‌های زندگی، با نیرویی پیش می‌رود که ریشه‌اش در قلب اوست؛ نیرویی به نام «امید». امید نه تنها یک احساس خوشایند، بلکه سرمایه اصلی بقای انسان است. اگر این رشته از کف برود، مسیر زندگی دشوار و تاریک می‌شود و حتی تا مرز فروپاشی و رفتارهای ویرانگر پیش می‌رود. اما پرسش اساسی اینجاست که این امید، چه زمانی از یک خیال پردازی بی‌سرانجام، به یک عامل سازنده و هدایتگر تبدیل می‌شود؟

بسیاری از ما در دام خلط میان «آرزو» و «امید» می‌افتیم. آرزو، صرفا خواستن یک هدف است؛ خواستنی که گاه بدون هیچ پیوند عملی با واقعیت، در فضای ذهنی معلق می‌ماند. اما امید، زمانی معنا پیدا می‌کند که با «عقلانیت» پیوند بخورد. امید عقلانی، امیدی نیست که برپایه تخیلات و تصوراتِ واهی از آینده بناشده باشد، بلکه امیدی است که وقتی اسباب و مقدمات رسیدن به هدف فراهم می‌شود، در قلب انسان جوانه می‌زند و او را به حرکت وامی‌دارد.

برای رسیدن به این سطح از امید، باید از دو رکن اساسی سخن به میان آورد: «ایمان» و «مجاهدت».

ایمان، نخستین گام است. ایمان یعنی باور به خداوند، اما نه یک باور ایستا و نظری، بلکه باوری که در عمل زندگی انسان اثر بگذارد. ایمان واقعی، یعنی انسان چنان به خداوند باور داشته باشد که بتواند برای رسیدن به رضای او، از برخی منافع مادی چشم‌پوشی کند و از مسیرهای نادرست و بی‌راه، «هجرت» کند. این هجرت، یعنی دل سپردن به مسیر حق، حتی اگر هزینه‌های آن سنگین باشد.

اما ایمان به تنهایی کافی نیست؛ چرا که ایمان بدون عمل، امیدی بی‌ثمر است. در اینجا نقش «مجاهدت» نمایان می‌شود. امید عقلانی، مستلزم آن است که انسان فقط به دعا و انتظار تکیه نکند، بلکه با فراهم کردن اسباب و مقدمات، در راه رسیدن به اهداف الهی گام بردارد. این یعنی پیوند میان «باور به قدرت خدا» و «تلاش بی‌وقفه خود». وقتی انسان میان ایمان و عمل، پیوندی ناگسستنی برقرار کند، امیدی در او شکل می‌گیرد که مبتنی بر واقعیت است، نه توهم.

نگاه ما به امید، با گذشت زمان و گذشت مراحل مختلف زندگی، باید تغییر کند. در دوران جوانی، ذهن انسان غالبا درگیر امیدهای مادی است؛ به ثروت، مقام، قدرت و جایگاه اجتماعی چشم دوخته است. این‌ها اگرچه در سطح زندگی مادی اهمیت دارند، نباید مقصد نهایی باشند. با فراتر رفتن از این مراحل و با درک حقیقت دنیا و محدود بودن عمر، نگاه انسان باید از افق‌های مادی فراتر برود.

انسان زمانی به بلوغ واقعی می‌رسد که درک کند مقصد نهایی، چیزی فراتر از این جهان گذراست. در این مرحله، امید باید به «رحمت الهی» و «سعادت ابدی» گره بخورد. هر انسانی، بی‌درنگ، به نقطه‌ای از زندگی می‌رسد که باید با خود روبه‌رو شود و درباره مقصد نهایی‌اش بیندیشد. بنابراین، هوشمندی در این است که انسان از همان دوران جوانی، با تکیه بر ایمان، فداکاری و عمل صالح، خود را برای آن روز بزرگ آماده کند.

درنهایت، باید دانست که امید واقعی، امیدی است که انسان را به سمت حرکت می‌برد، نه به سمت توقف و انتظار معجزات بدون تلاش. امیدی که در پیوند با ایمان و مجاهدت، موتور محرک انسان در مسیر خوبی‌ها و سعادت می‌شود و مسیر رسیدن به خداوند را هموار می‌کند و سرانجام انسان را از میان تلاطم‌های مادی، به ساحل آرامشِ رحمت الهی می‌رساند.

برگرفته از خطبه‌های نمازجمعه مشهد به امامت آیت‌الله سید احمد علم‌الهدی
تنظیم: حجت‌الاسلام والمسلمین حسین ابراهیمی